

مصائب جي . اچ

كلاريس ليسپكتور

ترجمه ي نيلوفر خسروي بلال مي



نشر حكمت كلمه

فهرست

- ۱۱..... برای خوانندگان بالقوه
- ۱۳..... روزی روزگاری در یک اتاق
- ۱۹..... مصائب جی. ایچ

روزی روزگاری در یک اتاق

رونالد دابلیو سوسا

وقتی زنی، که تنها به ما گفته‌اند نامش جی.اچ است، وارد اتاقی می‌شود که «ظاهراً» اتاقِ خودش است، از تمام برداشت‌هایی که از یک اتاق دارد ناامید می‌شود. گویی این اتاق از پذیرش نقش یک ظرفِ ایستا سر باز زده و نقش یک نیروی زنده را به خود می‌گیرد و با پافشاری خود را به «مالکش» تحمیل می‌کند. همان‌طور که تصویر اتاق گسترش یافته و سپس دوباره تنها به یک اتاق تبدیل می‌شود، هویت جی.اچ هم در طول فرایندِ روایت همواره از بین می‌رود و دوباره ساخته می‌شود.

داستان جی.اچ انتظاراتی را که معمولاً از یک روایت داریم برآورده نمی‌کند. در نتیجه، این روایت «ظرف‌ها»یی را می‌شکند یا دسته‌بندی‌هایی را درهم می‌ریزد که به ما کمک

می‌کنند دنیا را درک کنیم.

تا جایی که به مترجم و خواننده مصائب جی. اچ مربوط می‌شود، مهم‌ترین این ظرف‌ها آن‌هایی هستند که به مفاهیم ادبی می‌پردازند. کلاریس لیسپکتور (۱۹۲۴-۱۹۷۷) در اوکراین به دنیا آمده و در کشوری که او را پذیرفته بود یعنی برزیل، با استقبال ادبی روبه‌رو شد اما به خاطر همان متن در فرانسه به او توجه کرده‌اند زیرا یک فیلسوف معاصر مهم که به رابطه بین ذهنیت زبان و انسان (به ویژه زنان) می‌پردازد از او صحبت کرده است^۱؛ تمام این حقایق می‌توانند روشن کنند که چرا این گونه‌ی ادبی مشکل‌ساز است. آیا باید داستان جی. اچ را تخیلی در نظر بگیریم یا تعمقی روی مشکلات فلسفی؟ مشکلاتی که در طول روایت اتفاق می‌افتند و به صورت سنتی به آن می‌گوییم «طرح داستان». کجا ادبیات تمام شده و فلسفه آغاز می‌شود؟ پاسخ منطقی به این پرسش ساده است: هر دوی آن‌ها در «زبان» تمام می‌شوند. همان چیزی که برای لیسپکتور وسیله‌ای برای ساختن نام‌هایی مانند «ادبیات» و «فلسفه» است می‌تواند وسیله‌ای باشد که با آن و در آن دست‌رسی به هر آنچه که نازبانی است هم امکان می‌یابد. مشکل این جاست که به نظر او زبان سفسطه‌آمیز هم هست مگر این‌که بتوان از محدودیت‌های آن فراتر رفت و بدین وسیله چیزی را آشکار

^۱ نویسنده به هلن سیسو Helene Cixous اشاره می‌کند. (مترجم)

کرد که ساختار ظرف‌مانند زبان سعی در پنهان کردن آن دارد. به خاطر همین ماجراجویی‌های زبانی است که مصائب جی. اچ مجموعه‌ای از به‌کارگیری‌های ناستنی زبان را در خود دارد. از بخش‌هایی تشکیل شده است که تا حدودی به صورت خطی چیده شده‌اند. اما در واقع تکرارهایی هستند که در طول روایت بخش‌های دیگری به آن‌ها افزوده یا حذف می‌شوند - بنابراین هم حرکت وجود دارد و هم بازگشت و در هر حرکت متوالی جزئیاتی از موضوع‌های پیش‌تر گفته شده دوباره و با دقت شرح داده می‌شوند اما به صورتی کاملاً متفاوت. متن هم‌چنین در به‌کارگیری نشانه‌های نگارشی یک‌دست نیست؛ عبارت‌های محاوره‌ای، شعرگونه و عبارت‌هایی که کاملاً به زبانی غیر از پرتغالی هستند در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ تلمیح‌های خیالی در متن خلق شده؛ اصطلاحات به ظاهر پراهمیت دوباره به کار گرفته شده‌اند اما میزان اهمیت آن‌ها کمی دگرگون شده است تا از آفرینش مجموعه‌واژگانی یک‌دست جلوگیری شود؛ به صورت کلی، دستورزبان و نحو سنتی و مفاهیمی که با یک‌دیگر هم‌نشینی دارند و محدودیت‌های آن‌ها به کار گرفته نشده که البته این کار متن را بی‌معنی نکرده است. هم‌چنین، ابهام‌های پیچیده‌ی زبانی - مفهومی هم در کار دیده می‌شوند. یکی از پراهمیت‌ترین نمونه‌های یادشده در بالا در واژه‌ی «مصائب» دیده می‌شود